

پیشقراولان صنعت نفت

تجمع گسترده و یکپارچه کارگران پیمانی و ارکان ثالث شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی روز سه شنبه ۶ آذر ۱۴۰۳ در مقابل "ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی"، مرحله جدیدی را در مبارزات این کارگران و تجمعات سه شنبه های اعتراضی شان گشود. برپایی این تجمع چند هزار نفره، به رغم تهدیدهای گوناگون و موانع و محدودیت ها، بر پیشرفت مبارزه در صنعت نفت

در صفحه ۳



مرگتان باد

افزایش حداقل ۴۰ درصدی هزینه های معیشتی از زمانی که پزشکيان با فرمان خامنه ای بر صندلی ریاست جمهوری نشست، قسمتی از اعترافات یک خبرگزاری دولتی و کارگزاران حکومت در تشکیل دولتی "خانه کارگر" است. اگر برای سرمایه داران و مقامات دولتی این تنها یک عدد است، برای کارگران و زحمتکشان - اکثریت قریب به اتفاق جامعه - معنای دیگری دارد. برای آن ها این یک عدد نیست. برای آن ها، آن هایی که با تنی رنجور خونشان روزانه توسط همان سرمایه داران مکیده می شود، افزایش حداقل

در صفحه ۶

تشدید تضاد در بالایی ها

محمدباقر قالیباف - رئیس مجلس ارتجاع اسلامی - در روزهای ششم و هفتم آذر ۱۴۰۳، با لحنی اعتراضی و افشاگرانه در مورد بعضی از معضلات جاری حاکمیت سخن گفت که نه فقط بازتاب دهنده عمق نابسامانی های رژیم در عرصه اقتصادی و اجتماعی، بلکه انعکاسی از تشدید بحران سیاسی و تعمیق کشمکش های درونی حاکمیت نیز بود.

سخنانی را که او در روز سه شنبه ششم آذر، در صحن علنی مجلس ایراد کرد، یکسره بازتاب دهنده ژرفای ورشکستگی حاکمیت در مورد

در صفحه ۵

آتش بس یا مزارکه جنگ و آینده لبنان

بازگردد. روز جمعه ارتش اسرائیل اعلام کرد، طی این جنگ، به بیش از ۱۲۵۰۰ هدف در لبنان حمله کرده است، از جمله ۳۶۰ هدف در بیروت و ۱۰۰۰ هدف در منطقه "بکا". به ادعای آنان، این حملات نیروهای حزب الله را هدف قرار داده بودند، با وجود این، در یک مورد، به گزارش "آژانس خبری ملی لبنان"، ارتش اسرائیل، طی مراسم عزاداری در الخیام به سوی مردم آتش گشوده بود. در مجموع، در این مدت، حداقل ۳۹۶۱ لبنانی و بسیاری غیرنظامی، کشته شده اند. در برابر، حدود ۱۴۰ سرباز و شهروند اسرائیلی نیز بر اثر حملات حزب الله به قتل رسیده اند. تخمین زده می شود در لبنان، در حدود ۹۹ هزار خانه ویران یا نیمه ویران شده اند. به تخمین بانک جهانی از مجموع ۵ / ۸ میلیارد

در صفحه ۱۰

سرانجام قرارداد آتش بس بین اسرائیل و لبنان، پس از تقریباً ۴ ماه به امضا رسید و زمان آن، ساعت ۴ صبح روز چهارشنبه ۲۷ نوامبر تعیین شد. از جمله مفاد توافق، طی ۶۰ روز آینده، پنهان شدن عقب نشینی ارتش اسرائیل از لبنان، انتقال نیروهای حزب الله به شمال رودخانه لیتانی، در ۳۰ کیلومتری مرز، و ایجاد منطقه ای حائل در امتداد مرزهای اسرائیل و لبنان است. قرار است در این منطقه حائل، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل و ارتش لبنان مستقر شوند و ایالات متحده و فرانسه نیز بر رعایت آتش بس نظارت داشته باشند. این دو کشور، در بیانیه ای مشترکی بر همکاری با اسرائیل و لبنان در مورد اجرای کامل این قرارداد تأکید کردند. همچنین متعهد شدند تلاش های بین المللی برای تقویت ارتش لبنان و همچنین توسعه اقتصادی را در سراسر لبنان حمایت می کنند تا ثبات و رفاه به این منطقه

بحران عمومی جهان سرمایه داری و تشدید ارتجاع سیاسی در تمام جهات

جهان سرمایه داری در آشفتگی و بی ثباتی فرورفته است. تمام جوانب زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این نظم جهانی با بحران مواجهه اند. این، یک بحران عمومی است.

برای نشان دادن عمق بحران همه جانبه ای که نظام سرمایه داری جهانی با آن روبه روست، از جدیدترین رویداد سیاسی در اروپا آغاز کنیم که به گفته مفسران سیاسی سرمایه داری، شوک بزرگی به اتحادیه اروپا وارد آورد.

روز دوشنبه ۲۴ نوامبر (۴ آذر) انتخابات ریاست جمهوری در رومانی برگزار شد. نتیجه این انتخابات اما آن چیزی نبود که اتحادیه اروپا و قدرت های امپریالیست اروپایی انتظار آن را داشتند. نطفه نمایندگان احزاب ائتلاف حاکم سوسیال دمکرات و به اصطلاح لیبرال که معمولاً نمایندگان مورد تأیید انحصارات امپریالیستی اروپا هستند، حذف شدند، بلکه فردی به نام کالین جورجسکو، که به عنوان یک نامزد مستقل حضور یافته بود و کسی او را با شعارهای تندوتیز علیه اتحادیه اروپا و سیاست های آن، ناتو و مخالفت با جنگ اوکراین، جدی نمی گرفت، با حدود ۲۲ / ۹ درصد آرا در صدر نامزدها از صندوق رأی بیرون آمد. اما افکار و عقاید این آدم چیست؟ کوتاه این که گویا " از جانب خدا مأموریتی برای نجات کشورش" به او داده شده است.

یورو نیوز فارسی درباره او می نویسد: "کالین جورجسکو که به دلیل اظهارات افراط گراییانه مذهبی اش به مسیح نیک تاک معروف شده، خواهان بی طرفی رومانی است و در کل می گوید که جنگی در اوکراین در کار نیست.

در صفحه ۲

اعلامیه شورای همکاری
نیروهای چپ و کمونیست به
مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

فرزند کارگرانیم،
در کنارشان میمانیم

در صفحه ۸

بحران عمومی جهان سرمایه‌داری و تشدید ارتجاع سیاسی در تمام جهات

او با تمجید از ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، اتحادیه اروپا را دشمن رومانیایی‌ها می‌داند و رهبران یهودی‌ستیز رومانیایی جنگ دوم جهانی دوم را «قهرمان» لقب می‌دهد. نامزد راست‌گرای پیروز در دور نخست انتخابات رومانی منکر کووید-۱۹ است و مدعی است که از جانب خدا مأموریتی برای نجات کشورش دارد.

به هر رو، او با تأکید بر بهبود وضعیت معیشتی مردم، در کشوری که بخش بزرگی از زحمتکشان در فقر به سر می‌برند و اوضاع اقتصادی وخیم و بحرانی است، در صدر قرار گرفت.

جورجسکو پس از رأی دادن در روز یکشنبه در پستی در فیس‌بوک نوشت: «برای مظلومان، برای تحقیرشدگان، برای کسانی که احساس می‌کنند مهم نیستند، اما در واقع بیشترین اهمیت را دارند... رأی یک نذر ملی است.»

سیاست‌مداران رومانیایی و اتحادیه اروپا که نمی‌خواهند بپذیرند این مورد در رومانی هم مثل موارد مشابه دیگر، دلیل روشنی است بر بحران عمیق و بی‌ثباتی شدید اوضاع سیاسی که تمام اتحادیه اروپا را فراگرفته است، توطئه روسیه و دستکاری‌های تیکتاک را بجای واقعیت علم کردند و اکنون نیز در پی راه و چاره‌ای هستند که مانع از پیروزی این مسیح جدید در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری رومانی شوند.

اما بی‌ثباتی اوضاع و بحران سیاسی در اروپا، مختص رومانی نیست. کابینه‌هایی که پی‌درپی سقوط می‌کنند، بی‌اعتباری احزاب سیاسی سنتی لیبرال و سوسیال‌دمکرات در میان مردم، بی‌اعتباری دمکراسی و پارلمان‌تاریسم بورژوازی، رؤسای جمهوری بی‌اعتبار در میان مردم، امثال ماکرون که با قلدری همچنان قدرت را حفظ کرده‌اند، رشد و قدرت‌گیری احزاب راست افراطی و فراتر از آن، احزاب فاشیست و تشدید گرایش به ارتجاع سیاسی، به یک‌روال عمومی در اتحادیه اروپا تبدیل شده است. بنابراین، همان‌گونه که احزاب نژادپرست و فاشیست اروپای غربی با شعار نجات میهن سر برآورده‌اند، در اروپای شرقی هم یک فرد می‌تواند برای نجات میهن ظهور کند، با این تفاوت که مستقیماً مأموریت خود را از خدا اخذ کرده باشد. سرشت تمام این رویدادها یکی است. تشدید گرایش به ارتجاع سیاسی، به‌ویژه در روینای سیاسی.

شالوده و بنیان این وضعیت سیاسی، در سلطه سرمایه مالی و در بحران اقتصادی ژرفی قرار دارد که اتحادیه اروپا هم‌اکنون در چنگال آن گرفتار است. سیاست اقتصادی نئولیبرال به‌عنوان یک سیاست جهانی بورژوازی به شکست انجامیده، اما اتحادیه اروپا که خودش محصول نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی است، هنوز به این سیاست شکست‌خورده وفادار مانده و هزینه‌های شکست و تلاش برای افزایش سود سرمایه مالی را تحت عنوان سیاست ریاضت بر دوش توده‌های مردم اروپا قرار داده که سال‌به‌سال فقیرتر شده‌اند.

از سال ۲۰۰۷ که بحران اقتصادی بزرگ، تمام سیستم سرمایه‌داری جهانی را به لرزه انداخت، اتحادیه اروپا هرگز نتوانست از این بحران نجات پیدا کند. در طول این سال‌ها، مرحله به‌اصطلاح رونق در درون سیکل اقتصادی هنوز آغاز نشده به کساد و رکود بازگشته است. نرخ‌های رشد ناچیزی هم که گاه به دست آمد، بسیار زودگذر بود و رکود به پدیده دائمی اقتصاد سرمایه‌داری اروپایی تبدیل گردید. با تعمیق بحران‌های جهانی و تشدید تضاد قدرت‌های امپریالیست، تورم نیز به جزء جدائی‌ناپذیری از این بحران تبدیل شد. اگر به آخرین آمار رسمی پیرامون وضعیت اقتصادی در سال ۲۰۰۳ نظر افکنیم، رشد تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا در سال گذشته فقط ۰/۴ درصد بوده است. این در حالی است که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آلمان، بزرگترین قدرت اقتصادی اروپا ۳/۰- درصد بوده است. در سال جاری نیز وضع بر همین منوال است. بر پایه این بحران اقتصادی و نرخ بالای ۱۰ درصدی تورم اوایل دهه بیست قرن اخیر، سیاست ریاضت و تحمیل فشارهای اتحادیه اروپا بر توده‌های مردم، نارضایتی وسیعی در کشورهای عضو این اتحادیه شکل گرفت. از درون این بحران و بی‌ثباتی اوضاع است که احزاب و گروه‌های فاشیست سریعاً رشد می‌کنند و حتی به‌طور کامل و گاه در کابینه‌های ائتلافی با لیبرال‌های شکست‌خورده، به قدرت می‌رسند. گروهی از این احزاب که حالا تبدیل به احزابی قدرتمند شده‌اند، از نمونه ایتالیا، فرانسه، سوئد، منشاشان در احزاب نئوفاشیست نیمه دوم قرن گذشته است و گروهی دیگر جدیداً شکل‌گرفته و تبدیل به احزاب نژادپرست و فاشیست قدرتمند شده‌اند.

نمونه برجسته این احزاب فاشیست که اکنون کابینه ائتلافی راست‌گرایان افراطی و فاشیست ایتالیا، متشکل از «لیگ» و «فورزا ایتالیا» را تحت رهبری ملونی تشکیل داده‌اند، حزب برداران ایتالیا است.

خانم جورجیا ملونی که ریاست حزب «برادران ایتالیا» را بر عهده دارد برخاسته از جریان سیاسی «جنبش اجتماعی ایتالیا» است؛ که پس از جنگ جهانی دوم توسط حامیان موسولینی فاشیست، تأسیس شد.

وی در جوانی به جناح جوانان جنبش اجتماعی ایتالیا پیوست و سپس به جنبش فاشیستی وفاق ملی، وارث جنبش اجتماعی ایتالیا. از ۲۰۱۴ حزب برداران ایتالیا را رهبری کرده است که اکنون در رأس قدرت قرار دارد. شعار اصلی او «خدا، میهن و خانواده» است و برای احیای ارزش‌های سنتی و مسیحیت تلاش می‌کند. وی یک زن‌ستیز و مخالف حق سقط‌جنین است. از خانواده هسته‌ای سنتی دفاع می‌کند و مخالف جدی دگرباشان جنسیتی، گروه‌های ال‌جی‌بی‌تی‌پلاس. او یک نژادپرست مدافع خلوص نژادی است. بیگانه‌ستیز و به‌شدت مخالف ورود و پذیرش مهاجران است. او اخیراً اقدامات شدیدی را برای جلوگیری از ورود مهاجران به ایتالیا اتخاذ کرده است. وی همچون

ترامپ به شعار «اول ایتالیا و ایتالیایی‌ها» باور دارد. منکر تغییرات اقلیمی و مخالف جدی فعالین محیط زیست است. وی گرچه پس از به قدرت رسیدن از سر ناگزیری فعلاً به ضوابط اتحادیه اروپا تن داده است، اما در اساس مخالف اتحادیه اروپا و جهانی‌سازی است. وی نمونه روشنی از جریان‌ات فاشیست جدیدی است که در اروپا شکل گرفته‌اند. ملونی در طول دو سالی که به قدرت رسیده است تلاش کرده به طرق مختلف از فاشیسم ایتالیا اعاده حیثیت و از موسولینی تجلیل کند. وزیر دفاع او نیز چندی پیش در گرامی‌داشت نبرد العلمین در سال ۱۹۴۲ از نظامیان فاشیست موسولینی که در این جنگ کشته شدند، تجلیل کرد و آن‌ها را «فداکارانی که برای آزادی کشور جان خود را فدا کردند» نامید و به آن‌ها ادای احترام کرد.

در فرانسه نیز به‌رغم این‌که خانم مارین لوپن ظاهراً تلاش کرده مواضع تعدیل‌شده‌ای نسبت به گذشته از حزب اجتماع ملی ارائه دهد و هم‌اکنون در آستانه به قدرت رسیدن است یا حزب آزادی هلند که اکنون به‌عنوان بزرگترین حزب این کشور در کابینه حضور دارد، مواضع مشابهی با حزب برداران ایتالیا دارند. احزاب دیگری که در چند سال اخیر به‌یکباره ظهور کرده با هم‌اکنون در قدرت‌اند، نظیر حزب حق و عدالت در لهستان، حزب آزادی اتریش، اتحاد دمکرات‌های جوان مجارستان، حزب آلترناتیو برای آلمان، دمکرات‌های سوئد، حزب بُکس اسپانیا نیز با تفاوت‌هایی مواضع‌شان نزدیک به اولی‌هاست.

مواضع تمام این احزاب نشان می‌دهد که به درجات مختلف، مختصات یک جریان فاشیستی را دارا هستند. آن‌ها همانند فاشیسم پیشین، نژادپرستاند. زیرپوشش مخالفت با مهاجران از خلوص نژادی سفیدهای اروپایی دفاع می‌کنند. بیگانه‌ستیزند. خواهان اخراج مهاجران حتی با توسل به‌زور هستند. زن‌ستیزند. گرچه بنا به توازن قوای موجود، هنوز در چهارچوب نهادهای دمکراسی بورژوازی فعالیت می‌کنند، از دمکراسی بورژوازی حتی در شکل صوری آن نفرت دارند. با حقوق بشر و مسائلی از این‌دست مخالف‌اند. بر ارزش‌های مسیحیت و سنتی تأکید دارند. شوونیست‌اند و ادعای نجات میهن را دارند. آن‌ها همچنین مخالف اتحادیه اروپا و جهانی‌سازی و مدافع پروتکسیون‌نیم‌اند. هنوز مواضع این احزاب یکدست نیست و هنوز فاقد یک پلتفرم جامع در مورد کلیه جوانب جامعه سرمایه‌داری هستند و توازن قوا هنوز به آن‌ها اجازه نمی‌دهد حتی برخی مواضع اعلام‌شده خود را پیش ببرند، می‌توان فعالیت آن‌ها را مراحل اولیه سلطه فاشیسم جدید اروپایی ارزیابی کرد.

اگر این جریان‌ات فاشیست، هنوز در اروپا با موانع و محدودیت‌هایی برای پیشبرد کامل مواضع خود روبه‌رو هستند، قدرت‌گیری مجدد ترامپ در آمریکا نیز که برآمده از همان بحران عمومی سرمایه‌داری جهانی است، به شکلی روشن‌تر، این مواضع و مختصات فاشیسم جدید

پیشقراولان صنعت نفت



کار ۱۴ روز استراحت، اجرای طبقه بندی مشاغل برای رانندگان غیر مالک خودرو های استیجاری، عمل به توافقات قبلی از جمله مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ. افزون بر این خواست‌ها، کارگران پیمانی و ارکان ثالث در تجمع گسترده خود، خواسته‌های دیگری چون حق تشکل و تجمع و اعتراض، بازگشت به کار کارگران اجزایی، پایان دادن به بر خورد های امنیتی با کارگران معترض را نیز مطرح نمودند. کارگران مبارز و متحد پیمانی شاغل در مجتمع گاز پارس جنوبی در پایان تجمع گسترده و کم نظیر خویش تأکید کردند چنانچه برخوردهای امنیتی و احضارها و اقداماتی مشابه آن ادامه یابد و چنانچه به خواست‌هایشان رسیدگی نشود، باز هم در اشکال عالی تر و مؤثرتری از مبارزه، به اعتراض روی خواهند آورد. کارگران هشدار دادند که در آن صورت "مسئولیت توقف تمامی امور عملیاتی، تعمیرات و فرایند تولید" متوجه کسانی است که در برابر خواست‌های کارگران قرار گرفته و سیاست حذف و سرکوب را بر کارگران تحمیل می‌کنند.

تجمع گسترده هزاران کارگر پیمانی و ارکان ثالث شاغل در مجتمع گاز پارس جنوبی، به خوبی نشان داد که کارگران به درستی به وعده های دروغین دولت و وزارت نفت ویا کارفرماهای محلی دل خوش نبوده اند. وعده های مکرری که در زمینه "سازماندهی کارکنان دولت" و تبدیل وضعیت کارگران پیمانی و ارکان ثالث داده شده تا این لحظه از حد شعار توخالی فراتر نرفته است. وعده‌ها همگی بوچ و بی‌ثمر از کار درآمده اند. کارگران پیمانی و ارکان ثالث پارس جنوبی بیش از گذشته به این واقعیت پی برده و به تجربه دریافته‌اند که تحقق مطالباتشان در گرو اتحاد و مبارزه و اتخاذ تاکتیک های مؤثر مبارزاتی است. این کارگران، با متانت پرولتری تجمعات جدا جدا را پشت سر گذاشته و به مبارزه در شکل برپایی تجمع مشترک و واحد و سراسری روی آورده اند و مهمتر اینکه در همان حال، روند ادامه و افق مبارزات خویش را به روشنی ترسیم کرده‌اند؛ "توقف تمامی امور عملیاتی"، "توقف تعمیرات"، "توقف فرایند تولید" و این یعنی اعتصاب و خواباندن چرخ تولید. اعتصاب همان تاکتیک حیاتی است که نفت و گاز به آن نیاز دارد. اعتصاب همان شیوه مؤثر مبارزه کارگری است که مسیر پیشرفت های بزرگ جنبش طبقه کارگر را هموار می‌کند. اعتصاب در نفت، همان غول خفته ای است که از هم اکنون

در صفحه ۴

اعتبایی کارفرما و وزارت نفت، کارگران پیمانی و ارکان ثالث پارس جنوبی، هفدهمین تجمع جداجدای سه شنبه را به یک تجمع مشترک و واحد ویک تجمع بزرگ تبدیل نموده و نمونه درخشانی از اتحاد مبارزاتی و همبستگی خود را به نمایش گذاشتند. سازماندهی و برپایی این تجمع بزرگ و برجسته در روز سه شنبه ۶ آذر با حضور هزاران کارگر پیمانی و ارکان ثالثی شاغل در بخشهای مختلف پارس جنوبی از جمله پالایشگاه‌ها و سکویهای گازی و همچنین حضور شماری از خانواده ها، یکبار دیگر نشان داد که هیچ درجه ای از سرکوب و تهدید و فشار نمی‌تواند مبارزه را از دستود کار طبقه کارگر حذف کند. کارگران پیمانی و ارکان ثالث پارس جنوبی بی‌واهمه از تمام تهدیدهای دولتی و خنثی سازی تمام تلاش هایی که به عمل آمد تا به بهانه های مختلف مانند حساس بودن و ملتهب بودن اوضاع سیاسی، جلو تجمع را بگیرند، تجمع متحد و یکپارچه خود را پیروزمندانه برپا کردند.

از همان صبح روز سه شنبه ۶ آذر، کارگران پیمانی صنعت نفت و گاز شاغل در پارس جنوبی راهی محلی شدند که از قبل برای تجمع تعیین شده بود. کارگران پالایشگاه سوم و پنجم بدون صرف صبحانه مسیر ۵ کیلومتری تا محل تجمع را با پای پیاده طی کردند و بعد از راه پیمایی طولانی در محل تجمع گرد آمدند. کارگران سایت ۲ پارس جنوبی نیز از کنگان با طی کردن مسیر ۷۰ کیلومتری خود را به محل تجمع رساندند. هزاران کارگر پیمانی و ارکان ثالث شاغل در صنعت نفت و گاز در عسلویه، بوشهر و کنگان در مقابل "ستاد مجتمع گاز پارس جنوبی" واقع در شهرستان عسلویه گرد آمدند و یکی از بزرگ ترین میتینگ های کارگری در چند سال اخیر را برپا کردند.

گروهی از اعضای خانواده های کارگران، پلاکارد بزرگی که "مطالبات کارگران مجتمع گاز پارس جنوبی" با حروف درشت بر آن نقش بسته بود در دست داشتند. شعارها پی درپی از بلندگو اعلام می‌شد و کارگران همراه با کف زدن با صدای بلند آن را تکرار می‌کردند. "از شعار تا عمل، وعده های بی‌ثمر"، "یک کلام یک کلام، مزد بدون تبعیض والسلام والسلام"، "حقوق عادلانه، حق مسلم ماست"، "مدیر ضد کارگر نمی‌خوایم، نمی‌خویم". کارگران مبارز پارس جنوبی افزون بر این شعارها که اعتراض آشکار علیه مدیران و وعده های دروغین و تبعیض فاحش میان دستمزد و مزایای کارگران رسمی و غیر رسمی بود، پلاکارد ها و کاغذ نوشته های متعددی نیز در دست داشتند و خواستار رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.

مهمترین خواست های کارگران عبارتند از: حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، نظام پرداخت هم‌تراز با نیروهای رسمی، اجرای صحیح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای بدون تبعیض ۱۴ روز

صحه گذاشت و شور و شوق مبارزه را در میان تمام کارگران شاغل در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی و حتی سایر صنایع تقویت کرد. سازماندهی، برگزاری و گستردگی این تجمع آنهم در مرکز حساس و مهمی چون مجتمع گاز پارس جنوبی که شاخک های حساسی دستگاه امنیتی و حراست در آن همواره فعال بوده و در دوسال اخیر بسی فعال تر شده است، بسیار مهم است. دستگاه پلیسی و امنیتی رژیم مدتهاست که بر فشارها و اقدامات پلیسی و سرکوبگرانه خود در صنعت نفت و از جمله مجتمع گاز پارس جنوبی که یکی از مراکز بسیار مهم و حساس تولید گاز است افزوده است. احضار و تهدید فعالان و کارگران پیشرو به امر روزمره حراست و سازمان اطلاعات سپاه تبدیل شده است. تنی چند از کارگران مانند حجت رضایی از پارس جنوبی، یاسر احمدی نژاد و هرمزی از شرکت ملی حفاری اخراج شده اند. اما اعتراض در این مجتمع از جمله تجمعات اعتراضی هفتگی



روزهای سه شنبه در بخشها و پالایشگاه ها و فازهای مختلف به طورمنظم و مجزا ازهم، به مدت ۱۶ هفته ادامه داشت. کارگران نه فقط از مجموعه ی فشارها و تهدیدهای فزاینده نهراسیده، بلکه در مقابل آن دست به مقاومت و اعتراض نیز زده اند. برای نمونه در یکی از این تجمعات در پالایشگاه سوم، عوامل حراست به دستور ریاست پالایشگاه از ورود ۴ تن از کارگران شرکت کننده در تجمع به دلیل حمل بئیر و شعاردادن، جلوگیری نموده و سپس آن ۴ کارگر را مورد بازخواست و بازجویی قرار دادند. این اقدام، واکنش اعتراضی شدید سایر کارگران را در پی داشت و به دنبال آن تمام کارگران این پالایشگاه دست از کارکشیدند و مقابل ساختمان حراست تجمع و تأکید کردند تا بازگشت به کار کامل همکاران خویش، به اعتصاب و تجمع ادامه خواهند داد. رئیس پالایشگاه (مؤدنی) مجبور شد به فوریت مجوز بازگشت به کار آن ۴ کارگر را صادر کند.

کارگران پیمانی پارس جنوبی با این پیگیری و روحیه همیسته، ۱۶ تجمع اعتراضی پیاپی روزهای سه شنبه هر هفته را پشت سر گذاشتند و هشدار دادند اگر به خواسته‌هایشان رسیدگی نشود، در اشکال دیگری دست به اعتراض خواهند زد. به دنبال عدم پاسخگویی و بی

پیش به سوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیشقراولان صنعت نفت

کمک‌های مالی

سوئیس	
۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی
دانمارک	
۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمینا
ایران	
۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
آمریکا	
۲۵ دلار	مهسا
۵۰ دلار	از سپاهکال تا حکومت شورایی
۱۰۰ دلار	رفیق توکل حکومت شورایی
هند	
۵۰ یورو	داوود مدائن
آلمان	
۱۰۰ یورو	از ویدا موحد تا آهو دریایی!
۵۰ یورو	افسانه

عملیاتی سر چاهی نصب شده که هر کدام ظرفیت ۱۲ تا ۱۶ چاه را دارند. گاز و میعانات گازی به وسیله خطوط لوله به فاصله حدود ۱۰۰ کیلومتر به خشکی و پالایشگاه ساحلی منتقل می‌شود. شایان ذکر اینکه پالایشگاه‌ها و فازهای جدیدی نیز در حال ساخت و افزایش هستند.

مجمع گاز پارس جنوبی نقش مهمی در تأمین گاز مصرف داخلی و گاز صادراتی دارد. این مجمع بزرگترین تأمین کننده گاز طبیعی مصرف داخلی و صادرات خارجی است. آمارهای انتشار یافته حاکی از آن است که تولید روزانه گاز در پارس جنوبی ۷۱۱ میلیون متر مکعب بوده که رکورد قبلی در سال ۱۴۰۲ یعنی ۷۰۶ میلیون متر مکعب را پشت سر گذاشته است. گاز تولید شده در صدها چاه و ۴۰ سکوی دریایی در پارس جنوبی، ۷۰ درصد گاز کشور را تأمین می‌کند. معاون وزیر نفت و مدیر عامل شرکت ملی گاز در بازدید اخیر خود از مجمع گاز پارس جنوبی مورخ ۸ آذر گفت: روزانه ۵۸۰ میلیون متر مکعب گاز از پالایشگاه‌های پارس جنوبی به خطوط سراسری تزریق می‌شود.

در مجمع گاز پارس جنوبی ۱۸ هزار نفر شاغل هستند که غیر از مدیران و کادر اداری، بقیه همه کارگر هستند که عموماً با تحصیلات فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر و تخصص‌های لازم به کار مشغولند و این چرخ بزرگ با دست آن‌ها به چرخش در می‌آید. بخش اعظم نیروی کار شاغل در این مجمع را کارگران غیر رسمی از نمونه کارگران پیمانی و ارکان ثالث تشکیل می‌دهند که زیر پوشش شرکت‌های پیمانکاری کار می‌کنند. این کارگران در حالیکه از لحاظ نوع کار همان وظایف کارگران رسمی را انجام می‌دهند اما دستمزد بسیار پائین تری دریافت می‌کنند و از



مزایای یک کارگر رسمی محروم اند. درحال حاضر بیش از ۱۰۰ هزار کارگر پیمانی و ارکان ثالثی در صنعت نفت و گاز و پتروشیمی چنین وضعیتی دارند که هزاران تن از آن‌ها روز سه شنبه ۶ آذر در اعتراض به وضعیت شغلی و تبعیض مزدی و برای برچیدن شرکت‌های پیمانکاری دست به تجمعی گسترده زدند.

کارگران پیمانی و ارکان ثالث مجمع گاز پارس جنوبی از این موقعیت برخوردارند که با ادامه تجمعات و اتخاذ تاکتیک اعتصاب، وزارت نفت و کارفرمایان محلی را به عقب نشینی وادار کنند. تجمع گسترده کارگران مجمع پارس جنوبی، عملاً مرحله جدیدی را در مبارزات این کارگران گشوده است. با تجمع گسترده، هماهنگ و خوب سازماندهی شده‌ی کارگران پیمانی و ارکان ثالث

پشت تمام مدیران و رؤسای پالایشگاه‌های گاز در مجمع پارس جنوبی و فراتر از آن پشت وزیر نفت و کابینه و مجلس و امثال آن را به لرزه افکنده است. بیهوده نیست که امثال ابراهیم رضایی نماینده دشتستان در صحن مجلس از تبعیض آشکار نسبت به نیروهای ارکان ثالث حرف می‌زند، پز طرفداری از کارگر به خود می‌گیرد و حتی از احضار وزیر نفت به مجلس سخن می‌گوید و بالاخره از " بغرنج تر شدن موضوع" بخوان تشدید اعتراض و اعتصاب اظهار نگرانی می‌کند. باز دیده‌های مکرر وزیر و دیگر مقامات وزارت نفت، معاون رئیس



جمهور، استاندار بوشهر و امثال آن از مناطق جنوب و سخنان گوناگونی که در مورد گاز و نفت و کارگران ارکان ثالث بر زبان رانند، انتصاب مدیر عامل جدید در مجمع گاز پارس جنوبی، تعویض رئیس امور هماهنگی و نظارت بر تولید این مجمع و انتصاب مدیران جدید در برخی پالایشگاه‌ها از جمله پالایشگاه یکم، هفتم و نهم، همگی گویای این واقعیت است که نهادهای حکومتی برای خواباندن ماجرای اعتراض کارگران و جلوگیری از ادامه یا تکرار آن خصوصاً پیشگیری از هرگونه اعتصاب به تکاپو افتاده اند و از ادامه مبارزه در نفت و اعتصاب در نفت به شدت نگران‌اند و خود را باخته‌اند.

این نگرانی البته بی جهت نیست. چنانکه پیش از این اشاره شد مجمع گاز پارس جنوبی، یکی از قطب‌های بسیار مهم و حساس تولید گاز است. شرکت مجمع گاز پارس جنوبی (SPGC) در سال ۱۳۷۷ به منظور بهره برداری از میدان گازی پارس جنوبی که یکی از بزرگترین منابع گازی جهان است تأسیس شد. این منابع بر روی خط مرزی مشترک ایران و قطر در عمق حدود ۳ هزار متری زیر کف خلیج فارس و حدود ۱۰۵ کیلومتری سواحل ایران قرار دارد و یکی از اصلی‌ترین منابع انرژی کشور به شمار می‌رود. مساحت این میدان ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره گاز این بخش از میدان ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات گازی است که حدود ۸ درصد از کل گاز دنیا و نزدیک به نیمی از ذخائر گاز کشور را شامل می‌شود. گاز این میدان در قالب ۲۴ فاز به ساحل منتقل و جهت فرآوری و تولید محصولات مختلف وارد ۱۹ پالایشگاه می‌شود. این پالایشگاه‌ها به غیر از پالایشگاه اول که شامل یک فاز است بقیه شامل دو تا سه فازند. در هر فاز دوسکوی

شاغل در مجمع گاز پارس جنوبی، موقعیت این کارگران به عنوان نیروی پیشقراول صنعت نفت و یکی از گردان‌های پیشتاز طبقه کارگر ایران تثبیت شده است.

کارکنان رسمی صنعت نفت که با یک وعده توخالی و شاید امتیازی ناچیز، تجمعات مستمر و هفتگی خود را که از مهر ماه سال ۱۴۰۲ تا اول آبان سال جاری ادامه داشت بوسیده و کنار نهادند، باید از کارگران پیمانی و ارکان ثالث بیاموزند.

جای بسی امید و خوشحالی است که کارگران پیمانی و ارکان ثالث، با هوشیاری، آگاهی و برنامه ریزی دقیق توانستند این حرکت گسترده کارگری را سازمان داده و هماهنگ سازند. این اقدام بزرگ کارگری حاکی از آن است که کارگران مجمع گاز پارس جنوبی، به خوبی از تجارب پیشین خود بهره برده و در کوران مبارزات خویش، تشکل و آگاهی خود را ارتقا داده‌اند. این کارگران توانسته‌اند، ارتباط‌های خوبی میان بخش‌های مختلف برقرار کنند و تشکلی را که توانست یک اعتراض و تجمع بزرگ فراواحدی را سازماندهی و هماهنگ کند، پایه ریزی نمایند. و باز جای بسی امیدواری است که این کارگران در ادامه مبارزات خویش، با انسجام و یکدستی بیشتر، دیگر کارگران صنعت نفت و گاز را به میدان مبارزه بکشانند.

نفت و گاز، چشم و چراغ کارگران است. چراغ راباید روشن نگاه داشت تا پرتو آن بر تمام بخش‌های صنعت نفت و کارگران دیگر صنایع تابانده شود. زنده باد مبارزه و اعتصاب در صنعت نفت.

تشدید تضاد در بالایی‌ها

تأمین معاش مردم، ناترازی غیرقابل جبران در بخش نفت و انرژی و خلاصه به گل نشستن کشتی حاکمیت در امر تولید و صدور نفت بود. سخنانی که طرح آن، آنهم در صحن علنی مجلس اگر نگوییم بی سابقه، مطمئناً در نوع خود کم سابقه بوده است.

رئیس مجلس ارتجاع با اشاره به وجود چالش بزرگ نظام در عرصه انرژی گفت: «در تابستان ۱۴۰۳ بیش از ۱۵ هزار مگاوات ناترازی در مصرف انرژی وجود داشت. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در تابستان امسال صنایع کشور به میزان ۱/۵ درصد افت در تولید و رشد اقتصادی داشتند که به معنای خسارت به تولید کننده و خسارت به دولت است و اینکه دولت نمی‌تواند مالیات بگیرد و در حقیقت، هم تولید کننده و هم دولت زمین خوردند».

جان کلام قالیباف نه در بیان ناترازی انرژی - بلکه اعتراف صریح و بی پرده او در مورد نابسامانی حاکمیت در امر تولید و صادرات نفت بود. او با اشاره به استفاده از حربه نفت علیه «دشمنان» نظام در سال‌های گذشته گفت: «زمانی که دشمنان تهدید می‌کردند، می‌گفتم نفتمان را به روی شما می‌بندیم و این اهرم تهدید ما بود. اما امروز کدام نفت را می‌بندیم و چه اهرمی داریم؟ حتی اگر تحریم هم نباشیم، تکلیف ما روشن است». نه تنها نفت نداریم بلکه معضل حمل و نقل نیز بر آن اضافه شده که در ابعادی وسیعتر اوضاع را بر ایمن و وخیم‌تر کرده است. موضعگیری قالیباف در مورد نفت و تولید آن و ناتوانی رژیم در صادرات آن - حتی در شرایط غیر تحریم - برای نخستین بار است که این چنین بی پرده از زبان یکی از مقامات بالای حکومتی شنیده می‌شود.

بخشی از موضوعاتی را که قالیباف روز سه شنبه، ششم آذر در صحن علنی مجلس گفت، در روز هفتم آذر در نشست مطبوعاتی او با خبرنگاران نیز تکرار شد. اما او در نشست مطبوعاتی خود علاوه بر بیان معضلات اقتصادی رژیم نظیر ناترازی انرژی، عدم تولید و صادرات نفت و بحران مسکن، لبه تیز حملات خود را به طرف پزشکيان و عملکرد چندین ماهه کابینه او متمرکز ساخت.

آنچه را که رئیس مجلس ارتجاع اسلامی در نشست مطبوعاتی خود تکرار کرد، پیش از هر چیز گویای تشدید تضاد و درگیری میان دو نهاد قانونگذاری و اجرایی حاکمیت بود. قالیباف در پاسخ به خبرنگار ایسنا که در باره بحران موضوع مسکن و تصویب قانون جهش تولید مسکن و سازماندهی اجاره بها توسط مجلس یازدهم از او پرسش کرده بود، با چهره‌ای به ظاهر موجه و سلب مسئولیت از خود گفت: «مطمئنم مشکل و مسئولیت مسکن در معیشت

مردم بسیار مهم و اساسی است. [از این رو] از همه عزیزان می‌خواهم موضوع مسکن را در کشور رها نکنند. هر سال ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش حقوق می‌دهیم و به اندازه افزایش تورم نیز جبران حقوق نداریم. امروز هزینه مسکن در خانواده به شکلی است که حداقل بین ۵۰ تا ۷۵ درصد درآمد آنان را به خود اختصاص داده است.

اعتراف قالیباف به اینکه حداقل بین ۵۰ تا ۷۵ درصد درآمد ۱۰ تا ۱۲ میلیونی کارگران و کارمندان و دیگر زحمتکشان کشور صرف اجاره مسکن می‌شود، بیانگر این واقعیت تلخ است که هم اکنون ۸۰ درصد توده‌های مردم ایران که زیر خط فقر قرار دارند، با چه وضعیت وخامت‌باری زندگی می‌کنند.

او در مورد بحران مسکن با انتقاد از دستگاه اجرایی کشور گفت: «معتقدم روش‌های اجرایی که در مسکن اتفاق می‌افتند، درست نیست. در تهران بیش از یک میلیون مسکن داریم که خالی هستند و نباید احتکار شوند. دولت باید زمین را برای مسکن تهیه کند. حداقل ۵۰ تا ۷۰ درصد قیمت تمام شده یک خانه را زمین به خود اختصاص می‌دهد. یک جایی باید زمین را به شکل رایگان به طبقه‌هایی که قدرت خرید ندارند، بدهیم».

قالیباف که در ۴۵ ساله گذشته خود یکی از پایه‌گذاران حاکمیت ننگین و ارتجاعی جمهوری اسلامی بوده و دست کم در دوران رهبری خامنه‌ای به عنوان نورچشمی او همواره در پست‌های کلیدی، نظیر فرمانده نیروی هوایی، فرمانده نیروی انتظامی، ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا، ریاست شهرداری تهران، ریاست مجلس شورای اسلامی و در مواردی هم به عنوان مشاور و نماینده خامنه‌ای در امور خارجی برای بقاء نظام خوش خدمتی کرده است، اکنون طوری صحبت می‌کند که خود را مبرا از همه فجایع و جنایاتی که بر سر مردم آوار شده است، می‌داند. این مقام ارشد جمهوری اسلامی آنچنان وقیحانه حرف می‌زند و به ظاهر افشاگری می‌کند که انگار نه انگار خود و نهادهای تحت مسئولیتش در این سال‌های سپری شده در ایجاد وضعیت نابسامان و فلاکت‌باری که بر کارگران و توده‌های ستمدیده ایران اعمال شده است، کمترین سهمی نداشته‌اند.

از لاف زنی‌های قالیباف در مورد دلسوزی او برای مردم و بی‌مسکنی آنان، همان بس که او در مقام ریاست مجلس که وظیفه تصویب بودجه درخواستی دولت را به عهده دارد، در مقام مزدوری و خدمتگزاری به نظام، همان بودجه‌ای را تصویب کرده است که در بندهای مختلف آن کمترین حقی برای بهینه‌سازی زندگی مردم در امر آموزش و پرورش، درمان و بهداشت، معیشت و رفاه، افزایش حقوق متناسب با حداقل‌های زندگی و بازنشستگی کارگران لحاظ نشده است. او که در ابتدای سخنان خود با اذعان

به اینکه، «هر سال ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش حقوق می‌دهیم و به اندازه افزایش تورم نیز جبران حقوق نداریم»، اکنون بی توجه به میزان تورم. گرانی موجود، با پیش‌بینی ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش حقوق کارگران، که حداقل حقوق آنان به ۱۳ میلیون تومان و مستمری بازنشستگان نیز به ۱۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در سال آینده خواهد رسید، به خود و نمایندگان مجلس می‌بالد که توانسته‌اند چنین کاری را به انجام برسانند.

از اینها که بگذریم جان کلام سخنان قالیباف در نشست مطبوعاتی روز چهارشنبه هفتم آذر را باید در اعلام مخالفت صریح او با انتصاب «غیر قانونی» جواد ظریف در کابینه پزشکيان و همچنین اعلام نظر او در مورد قانون «عفاف و حجاب» دید، که ابلاغ این به اصطلاح قانون به غایت ارتجاعی و ضد زن را در روز ۲۳ آذر ماه جاری برای اجرا به تمام دستگاه‌ها حکومتی وعده داد. دو موضوعی که علاوه بر تعمیق تنش‌های اقتصادی، به تشدید درگیری و اختلاف در میان بالایی‌ها نیز منجر خواهد شد.

قالیباف در این بخش از سخنان خود با اعلام اینکه بکارگیری محمدجواد ظریف در پست معاونت استراتژیک دولت خلاف قانون است، در پاسخ به خبرنگارانی که از تعامل مجلس و دولت سؤال کرده بودند، گفت: «بکارگیری تعامل و همکاری با دولت بدان معنا نیست که خلاف قانون عمل کنیم». او با استناد به یک بند قانونی در برنامه هفتم جمهوری اسلامی، که انتصاب افرادی که دو تابعیتی هستند و یا فرزندان آنان به دلیل بدنیا آمدن در کشوری دیگر دارای دو تابعیتی اجباری هستند، نمی‌توانند در پست‌های حساس حکومتی قرار گیرند، گفت: «به‌ر حال برادر عزیزمان آقای ظریف که آن‌جا قرار گرفته، طبق قانون جاری خلاف است و این روشن است». از این رو، او با بیانی صریح خواهان استعفای ظریف یا برکناری او توسط پزشکيان از پست معاونت استراتژیک دولت شده است.

موضوع لایحه «حجاب و عفاف» نیز از جمله موضوعات مناقشه برانگیز میان مجلس و دولت بودند که قالیباف در نشست مطبوعاتی خود، تاریخ ۲۳ آذر را به عنوان زمان اعلام علنی قانون "حجاب و عفاف" اعلام کرد. موضوعی که دعوی آن از دو سال پیش در کابینه ابراهیم رئیسی میان مجلس و دولت و شورای نگهبان شروع شد و از دو ماه پیش که شورای نگهبان آنرا تأیید و به قانون تبدیل کرد، نحوه ابلاغ و چگونگی اجرای آن به دعوی میان رئیس دستگاه اجرایی و مجلس ارتجاع اسلامی تبدیل شده است.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، هر طرح و لایحه‌ای که به تأیید شورای نگهبان رسیده باشد، از طرف رئیس مجلس به دولت ارسال می‌گردد. رئیس جمهور هم موظف است در یک بازه زمانی معین آن را امضا و جهت اجرا در

در صفحه ۷

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

مرگتان باد

۴۰ درصد هزینه‌های معیشتی فاجعه است. فاجعه برای آن‌ها که با پوست و گوشت و استخوان خود آن را روزانه که نه، در هر ثانیه‌ی این زندگی لعنتی احساس می‌کنند.

همان مردم و فرزندان‌شان که سال ۵۷ برای کار، نان و آزادی، دیکتاتوری سلطنتی را برانداختند، اما در ام‌القرای اسلام از تهیه یک کیلو گوشت که هیچ، حتا از تهیه نان به اندازه نیاز محروم شده‌اند. آن‌ها که امروز نان را به قیمت جان می‌خرند، حسرت را با درد آمیخته‌اند و این شده است قاتل زندگی‌شان.

آن کودکانی که تنها نگاهی به چشمان زیبای‌شان قلب‌ها را به درد می‌آورد، و مادران و پدرانی که در زندان بزرگی به نام ایران با پاهای زنجیرشده از نگاه به چشمان کودکان‌شان چشم می‌دزدند، از مادر بزرگان و پدر بزرگانی که هر روز به خیابان می‌آیند و در دستان را مشت کرده و فریاد می‌زنند که دیگر نمی‌خواهند پاهای فرزندان‌شان در زنجیر باشد، نمی‌خواهند فرزندان‌شان با نگاه به چشمان کودکان‌شان شرمگین شوند.

نابود باد حکومتی که بر ثروت هنگفت این مردم ستم‌دیده چنبره زده و زندگی و معیشت این مردم را به هیچ می‌شمارد. ما آن مردم ستم‌دیده با قدرتی بی‌نظیر هستیم که شب را آتش خواهیم زد و به فرادی درخشان چشم خواهیم دوخت، دست‌های به هم گره شده بزرگترین دریای دنیا خواهیم شد. ما آن مردم ستم‌دیده با قدرتی بی‌نظیر با اتحاد و مبارزه از هر سدی خواهیم گذشت.

هر روز به بهانه‌های دست در جیب مردم می‌کنند، گویی جیب این مردم غرق در فقر و ستم، فلک دزدان و فاسدان حاکم است. ۳۸ درصد افزایش شبانه بهای برق، مرغ کیلویی ۱۰۰ هزار تومان را هم رد کرد، شانه تخم مرغ یک شبه ۳۰ هزار تومان گران شد، از کره و گوشت هم که دیگر خبری نیست. وزیر صنعت و معدن و تجارت‌شان می‌گوید: "تنها ۷ درصد گوشت کشور از طریق واردات تامین می‌شود که از این میزان یک سوم با ارز ترجیحی است که نیم ساعت تا ۴۰ دقیقه توزیع آن بیشتر در فروشگاه‌ها دوام نمی‌آورد" و این ماجرا همچنان ادامه دارد. حکومت اما از دادن وعده خسته نمی‌شود. از وعده بهشت فردا تا وعده بهبود اوضاع معیشتی، مردم اما از شنیدن وعده سیر شده‌اند.

توفیقی از مزدوران "خانه کارگر" می‌گوید: "از صحبت‌های دولت و نمایندگان مجلس این چنین برمی‌آید که مسئولان اقتصادی دست‌ها را بالا برده و تسلیم شده‌اند. به مردم رسماً می‌گویند اوضاع خراب است و کاری نمی‌شود کرد! داده‌ها را ببینید، در آبان اعلام شد فقط ۴۵ درصد تورم مسکن داشتیم. سه سال تورم بالای ۴۰ درصد داشتیم که در کل تاریخ ایران بی‌سابقه است."

رئیس جمهورشان می‌گوید: "در کشور با انواع مشکلات مواجه هستیم؛ ناترازی‌های زیادی در آب، برق، گاز و محیط زیست داریم، ناترازی‌هایی که بعضی‌های آن در لب پرتگاه است."

رئیس مجلس‌شان می‌گوید: "در تابستان امسال بیش از ۱۵ هزار مگاوات ناترازی در مصرف انرژی داشتیم. در زمستان گذشته ۲۵۰ میلیون متر مکعب ناترازی گاز داشتیم و صنایع را تعطیل کردیم. زمانی که دشمنان تهدید می‌کردند می‌گفتیم نفتمان را به روی شما می‌بندیم امروز کدام نفت را می‌بندیم؟ کدام بازار را داریم؟ تحریم هم نباشد تولید ما معلوم است تکلیف ما روشن است."

خامنه‌ای اما به این موضوعات کاری ندارد او شب‌ها خواب پیروزی حماس و حزب‌الله بر اسرائیل را می‌بیند و هنگام بیداری به مفاتیح پناه می‌برد، بعد مانند فردی که از عالمی دیگر آمده از فتوحات نداشته خود در حالی که مشتی با دهان باز در برابرش نشسته‌اند، سخن می‌راند.

لازم نیست گوش نیز کرد، از هر کوی و برزن فریاد مردمان بلند است، بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فرهنگی، کارگران، پرستاران، معلمان، کشاورزان، مال‌باختگان، زنان، زندانیان سیاسی، اما در آن سوی میدان نه گویی برای شنیدن هست و نه چشمی برای دیدن.

چگونه می‌توان چرخ زندگی را چرخاند وقتی که به اعتراف حداقلی دولتی‌های نشسته بر صندلی "خانه‌کارگر" - آن هم در شهریورماه قبل از افزایش بهای برق و گاز - سبد هزینه معیشتی یک خانوار ۳۶ میلیون تومان و تنها سبد هزینه خوراکی ۱۴ میلیون تومان بوده است، اما کمتر کارگر و زحمتکشی این حداقل را دریافت می‌کند. حداقل‌بگیرها هم که هر روز تعدادشان بیشتر می‌شود، تکلیف‌شان روشن است، با ۷ میلیون تومان حقوق و اگر تمام مزایا را بگیرند ۱۰ میلیون تومان، آن‌ها حتا از پس هزینه‌های خوراکی نیز بر نمی‌آیند.

چگونه می‌توان چرخ زندگی را چرخاند به هنگامی که طی مدتی کوتاه ۴۰ درصد هزینه‌های معیشتی افزایش می‌یابد اما افزایش حقوق‌ها برای یک سال تمام تنها ۲۰ درصد بوده است؟ آن‌گاه با وقاحتی که هیچ مرزی نمی‌شناسد، بدون آن‌که به دره عمیقی که بین هزینه‌های زندگی و حقوق و دستمزدها بوجود آمده اشاره‌ای کنند، از مصوبات‌شان برای افزایش حقوق‌ها می‌گویند، این‌که در بودجه سال آینده حداقل‌بگیران ۳۰ درصد و بقیه سطوح حقوقی ۲۰ درصد افزایش حقوق خواهند داشت. ردالت تا کجا؟!

با بی‌شرمی رئیس‌جمهورشان به پرستاران معترض می‌گوید: "این‌که ما بخواهیم در واکنش به اعتراض هر بخش و صنفی، امتیاز و حقی به آنها بدهیم، هم اجحاف به بقیه بخش‌ها است و هم منطبق بر عدالت و حق نیست... متأسفانه کشور را در محاصره‌ی گرفتار کرده‌اند. اساساً دشمنان با هدف برهم زدن اوضاع و وا داشتن مردم به اعتراض این فشارها را به کشور وارد می‌کنند." برآستی که بازی با کلمات و شوخی با کلماتی چون عدالت هم حدی دارد. این عدالت است که مردم در فقر غوطه‌ورند اما در سمت دیگر محدودی سرمایه‌دار و مزدور دولتی روز به روز فریتمتر می‌شوند؟ این عدالت است که پدری به خاطر بیکاری دست به خودکشی بزند؟ یاوه‌گویی تا کجا تا چه حد؟ عدالت در قاموس آن‌ها چیزی جز بی‌عدالتی نیست. حق برای آن‌ها مفهومی جز بی‌حقوقی توده‌ی کار و زحمت ندارد. از محاصره می‌گوید تا برای رهایی از محاصره

همه چیز را گران کند، مخصمه تامین هزینه‌ی سیاست‌های جنگی، هزینه‌های دستگاه سرکوب. همه چیز را گران می‌کند که ناترازی‌ها را تراز کند اما آن‌چه که تراز نمی‌شود و ناترازی‌اش به چشمان حریص و قلب سنگشان اثر ندارد زندگی و معیشت مردمی‌ست که تمام ثروت این کشور حاصل دسترنج آن‌هاست، مردمی که صاحب ثروت‌های ملی هستند، اما زندگی و معیشت‌شان با سیاست‌های پزشک جراح ناترازرتر از همیشه شده است. تمام این سال‌ها که با شمشیر مذهب گردن زدن، برای کارگران و زحمتکشان - اکثریت قریب به اتفاق جامعه - جز ویرانی، جز فقر و جز رنج و درد حاصلی نداشته‌است. گویی که این غارتگران که از گور تاریخ به تمنای سرمایه دوباره برخاسته بودند، آمده بودند تا تمام این سرزمین پهناور را شخم زده و ویران کنند. شرم‌تان باد، مرگتان باد.

حکایت‌ها از زمستان سختی است که در پیشروی ماست، زمستانی که می‌توان با شعله‌های آتشی که می‌افروزیم، با طوفان خشمی که برپا می‌کنیم برای خود دلپذیر و برای رژیم مرگ‌آور سازیم. ما می‌توانیم. ما می‌توانیم این رژیم پا به مرگ را با انقلاب و برپایی حکومتی شورایی برای همیشه به گورستان تاریخ بسپاریم. باور کنیم. باور کنیم که برای رسیدن از نهایت شب به سپیده دمان دیگر چیزی نمانده است، بمان و برخیز، بمان و دست‌هایت را به من بده، بمان که من و تو ما هستیم، درمان یکی‌ست درمان‌مان نیز یکی.

با من اکنون چه نشستن‌ها، خاموشی‌ها

با تو اکنون چه فراموشی‌هاست

چه کسی می‌خواهد

من و تو ما نشویم

خانه‌اش ویران باد

من اگر ما نشوم، تنهایم

تو اگر ما نشوی،

خویشتمی

از کجا که من و تو

شور یکپارچگی را در شرق

باز برپا نکنیم

از کجا که من و تو

مشت رسوایان را وانکنیم

من اگر برخیزم

تو اگر برخیزی

همه بر می‌خیزند

من اگر بنشینم

تو اگر بنشینی

چه کسی برخیزد؟

چه کسی با دشمن بستیزد؟

چه کسی

پنجه در پنجه‌ی هر دشمن دون

آویزد

دشت‌ها نام تو را می‌گویند

کوه‌ها شعر مرا می‌خوانند

کوه باید شد و ماند،

رود باید شد و رفت،

دشت باید شد و خواند.

پی نوشت:

شعر از حمید مصدق

بحران عمومی جهان سرمایه‌داری و تشدید ارتجاع سیاسی در تمام جهات

را نشان می‌دهد و فاشیسم اروپائی را تقویت می‌کند. ترامپ با تکیه به قدرت امپریالیسم آمریکا خیلی صریح‌تر از همتایان اروپائی خود، حرف می‌زند و عمل می‌کند. پیروزی مجدد او قطعاً همراه با اقدامات تعرضی‌تری خواهد بود. در دوره قبل، نیروی متحد و پشت جبهه او ضعیف و محدود بود. امروز احزاب نئوفاشیست قدرتمند در اروپا شکل گرفته‌اند. وی خیلی صریح و بی‌پرده افکار شوونیستی و برتری‌طلبانه خود را ابراز می‌دارد. آمریکا اول و برتر است. اقتدارگراست و برای پیشبرد سیاست‌های خود حتی متحدان سنتی آمریکا را تهدید می‌کند. پنهان نمی‌کند که می‌خواهد مهاجران را با زور و به کار گرفتن نیروی نظامی اخراج کند. او یک اقتدارگراست و حتی با اکراه به ضوابط دمکراسی بورژوائی و انتقال قدرت تمکین کرده است. او یک نژادپرست بی‌پرده است. زن‌ستیزی خود را پنهان نمی‌کند. او از تقویت مذهب و پس‌مانده‌های خرافات قرون وسطایی دفاع می‌کند. ترامپ می‌خواهد در کشور آمریکا که هم‌اکنون ۴۴ میلیون خانوار آمریکائی مشکل تأمین غذا دارند و ۱۳۰ میلیون خانوار به‌دشواری هزینه زندگی روزمره خود را تأمین می‌کنند، امکانات عمومی رفاهی - اجتماعی، آموزشی و بهداشتی را محدود کند. رسماً خود را مدافع پروتکسیونیسیم و وضع تعرفه‌های سنگین بر کالاهای کشورهای رقیب و حتی دوستان سنتی امپریالیسم آمریکا اعلام کرده است. از دیدگاه او همه چیز باید در حد اعلا در خدمت انحصارات بزرگ آمریکائی باشد. از هم‌اکنون اعلام کرده است مالیات بر درآمد و ثروت آن‌ها را شدیداً کاهش خواهد داد. او به چیزی به نام حفظ محیط‌زیست، بحران زیست‌محیطی و قراردادهای جهانی بر سر کاهش سوخت‌های فسیلی باور ندارد. تسهیلات ویژه‌ای برای توسعه استخراج سوخت‌های فسیلی در جهت تقویت انحصارات نفتی آمریکا قائل شده است. او می‌خواهد ارتش آمریکا را به بزرگ‌ترین ارتش جهان تبدیل کند و به بازار انحصارات تسلیحاتی آمریکائی رونقی بیش از گذشته بدهد. ترامپ قصد دارد با چین به‌عنوان رقیب جهانی اصلی آمریکا، مقابله‌ای گسترده‌تر از جناح رقیب داخلی داشته باشد. او فقط با چین بر سر مسائل اقتصادی درگیر نیست. با اروپا هم بر سر مسائل اقتصادی، سیاسی و نظامی اختلاف دارد. ترامپ با برنامه اعلام‌شده‌اش، تضاد میان قدرت‌های امپریالیست را تشدید و به بحران جهانی ابعاد جدیدی خواهد داد. ترامپ‌یسیم تجسم کامل ارتجاع سیاسی در تمام جهات است که یکی از

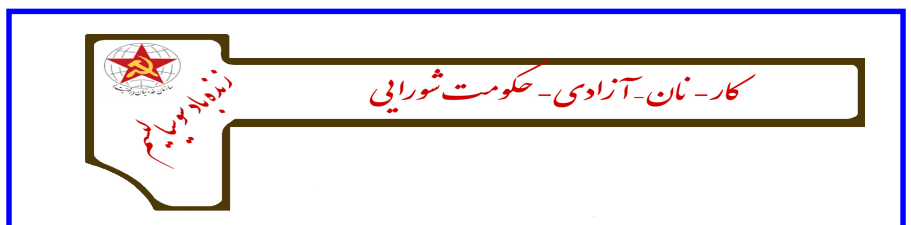
مشخصه‌های سلطه افسارگسیخته سرمایه مالی است. بحران عمومی جهان سرمایه‌داری به تشدید ارتجاع سیاسی در رونبای سیاسی خلاصه نمی‌شود. اوضاع جهان هم‌اکنون از جهات مختلف بحرانی است. قدرت‌های بزرگ جهان با تضاد خصمانه‌ای که با یکدیگر دارند، حجم کلانی از سلاح‌های کشتارجمعی را انبار کرده‌اند. خطر درگیری نظامی میان قدرت‌های امپریالیست با جنگ اوکراین افزایش یافته است. مجسم کنید که هر سال حدود ۵/۲ تریلیون دلار، حداقل هزینه‌های نظامی جهان است، اما صدها میلیون انسان در سراسر جهان فقیر و گرسنه‌اند و گروه گروه، از بیماری‌های واگیردار می‌میرند. این قانون نظام سرمایه‌داری است. برای سلطه بر جهان، برای میهنی که موجودیتش بر جنگ بنا شده است. برای سرکوب و کشتار مخالفان نظم سرمایه‌داری. برای این‌که کدام کشور، کدام قدرت امپریالیست، قلدر نخست جهان باشد. یکی دیگر از عوامل تشدیدکننده بحران عمومی جهان سرمایه‌داری برهم خوردن توازن قوای میان قدرت‌های امپریالیست است. امپریالیسم آمریکا دیگر سال‌هاست که نقش سرکردگی خود را در جهان از دست داده و اروپای فرتوت نیز دیگر قدرت پیشین را ندارد. تحت چنین شرایطی نهادها و مؤسساتی که پس از جنگ جهانی دوم و نیمه دوم قرن بیستم برای مدیریت اقتصادی، سیاسی و نظامی جهان شکل گرفته بودند، عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند. سازمان ملل دیگر اهمیت و اعتبار پیشین را ندارد. شورای امنیت قدرت تصمیم‌گیری را از دست داده است و اگر تصمیمی هم بگیرد فاقد ضمانت اجرایی است. مجمع عمومی سازمان ملل هم بر همین منوال. شکست سیاست نئولیبرال حتی مؤسسات اقتصادی بین‌المللی سرمایه مالی را بی‌مصرف ساخته است. سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول در مقابل پروتکسیونیسیم و مخالفت احزاب فاشیست جدید علیه جهانی‌سازی حرف و برنامه‌ای ندارند و نمی‌توانند داشته باشند. در گوشه و کنار جهان جنگ‌های کوچک و بزرگ متعددی در جریان است. در فلسطین نسل‌کشی رخ داده است، اما هیچ ارگانی نتوانسته و نمی‌تواند جلو آن‌ها را بگیرد. آنچه در سراسر جهان در برابر چشمان همگان رخ می‌دهد، انعکاسی از بحران عمومی جهان سرمایه‌داری است. رامحل این بحران یا انقلاب کارگری و سرنگونی نظام سرمایه‌داری و رهایی از تمام فجایع آن است، یا سلطه کامل فاشیسم و سقوط بشریت به اعماق بربریت.

تشدید تضاد در بالایی‌ها

روزنامه دولت منتشر کند. این امر در مورد لایحه «حجاب و عفاف» با امتناع پزشک‌های از امضا و ابلاغ آن جهت اجرا به ارگان‌های ذیربط عملاً به بحرانی میان مجلس و دولت تبدیل شده است. مشکلات ابلاغ و اجرای آن از آنجا آغاز شد که چندی پیش، مجید انصاری - معاون حقوقی کابینه مسعود پزشکیان - طی اظهار نظری در همایشی در قم اعلام کرد: «قانون عفاف و حجاب با وجود اینکه نگاشته شده است، اما در حالت تعلیق قرار گرفته است». پس از آن، شهرام دبیری معاون حقوقی دولت نیز در مصاحبه با رابو تهران در پاسخ به اینکه آیا قرار است با توجه به چالش‌های موجود، دولت تغییری در قانون «عفاف و حجاب» ایجاد کند، گفته بود، که «موضوع مربوط به حجاب فعلاً جزو اولویت‌های دولت نیست». پیش از آن نیز روزنامه اعتماد از درخواست رسمی دولت برای «استمهال» در اجرای این قانون به منظور «رایزنی برای اصلاح، تعویق، بازبینی و بازنگری آن» خبر داده بود.

آنچه مسلم است اجرای قانون ارتجاعی «حجاب و عفاف» با توجه به مقاومت زنان دلاور ایران در مقابل حجاب اجباری و نقش پررنگی که آنان در دوران جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» علیه حجاب اجباری ایفا کردند، موضوع اجرای این قانون عملاً به تشدید اختلاف در درون هیئت حاکمه منجر شده است. موضعگیری پزشک‌های در ارتباط با اجرای قانون ارتجاعی حجاب و عفاف در شکل کنونی آن، هرگز به معنای مخالفت او با تحمیل حجاب اجباری بر زنان نیست. او در ایام تبلیغات انتخاباتی خود، از جمله وعده‌هایی که داد، برچیدن گنجهت ارشاد در سطح خیابان‌های کشور بود، که بر چیدن آن نیز با توجه به ماهیت قرون وسطایی حاکمیت و نیاز جمهوری اسلامی به سرکوب زنان، اگر هم برچیده شود، نهادهای دیگری به جای آن انجام وظیفه خواهند کرد. لذا، موضع پزشک‌های در رابطه با قانون ۷۴ بندی به غایت ارتجاعی «حجاب و عفاف» که روز یکشنبه ۱۱ آذر ماه جاری توسط روزنامه‌های حکومتی انتشار بیرونی هم یافت، از آن جهت است که او و کابینه‌اش می‌پندارند اجرای این قانون ارتجاعی و ضد زن، آنهم در شرایط انقلابی موجود که حاکمیت از جمیع جهات منزوی و غرق در بحران‌های شدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است، موجب بروز تکان‌های بزرگ اجتماعی خواهد شد.

آنچه اکنون در درون جمهوری اسلامی می‌گذرد، تشدید همین بحران‌های عمیق و ژرف است که از هم‌اکنون بالایی‌ها را به چالش گرفته است. بحران‌های ناعلاجی که در آینده‌ای نه چندان دور با گسترش اعتصابات کارگری همراه با هرچه بیشتر شدن اعتراضات خیابانی زنان، معلمان، بازنشستگان، کارگران، دانشجویان، نویسندگان، هنرمندان و دیگر لایه‌های توده‌های مردم ایران برای تحقق یک انقلاب اجتماعی ظهور و نمود بیرونی خواهند یافت.





اعلامیه شورای همکاری نیروهای
چپ و کمونیست به مناسبت ۱۶ آذر روز دانشجو

فرزند کارگرانیم، در کنارشان میمانیم

شانزدهم آذر، روز دانشجو، مناسبتی شناخته شده در جنبش اعتراضی دانشگاهیان و نسل جوان جامعه ایران علیه رژیمهای سلطنتی و جمهوری اسلامی است. هفت دهه از این مناسبت اعتراضی و جانبختن سه دانشجوی مبارز دانشگاه تهران در جریان اعتراضات دانشجویی علیه سفر نیکسون معاون وقت رئیس جمهور آمریکا میگذرد. از شانزدهم آذر ۱۳۳۲ تاکنون این روز مناسبتی زنده و مبارزاتی برای دانشجویان و نسل جوان و روزی نگران کننده برای هردو حاکمیت ارتجاعی بوده است. در بیشتر سالهای این دوره طولانی چه در دوره سلطنت و چه در حاکمیت جمهوری اسلامی شاهد تحرک اعتراضی دانشجویان و دانشگاهیان علیه وضع موجود و علیه استبداد و اختناق و برای تحقق مطالبات برحق و آزادیخواهانه بوده ایم.

با ابتکار و حضور موثر جریان چپ و سوسیالیست در دانشگاه، مبارزات دانشجویی رادیکال همواره به عنوان بخش تفکیک ناپذیر و تأثیرگذار مبارزات انقلابی جامعه ایران عمل کرده است. جنبش دانشجویی هم پابوی انکشاف طبقاتی و سیاسی بیشتر در جامعه، پابوی رشد و عرض اندام گرایشها و جنبش های اجتماعی متفاوت دستخوش تحول شده است. این پدیده در طول حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی شفافیت بیشتری پیدا کرده است. گرایشهای مختلف، شاخه های مختلف جریانات اسلامی و طرفدار جمهوری اسلامی و وضع موجود، ناسیونالیستهای رنگارنگ، لیبرالها به عنوان موانع سد راه جنبش رادیکال دانشجویی عمل کرده اند. در عین حال جریان چپ و سوسیالیست در دانشگاه با تمایزات انکارناپذیر قطب رادیکال و چپ جنبش دانشجویی را قدرتمند کرده اند. از دهه هشتاد شمسی به بعد با نقش و حضور متکرانه دانشجویان سوسیالیست و آزادیخواه و برابری طلب جنبش دانشجویی رادیکال نقش مهمی در مبارزات دانشگاه و در همسویی با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال داشته است. اکنون نگاهها به جنبش دانشجویی و دانشگاهها به مثابه سنگر دفاع از آزادی عقیده و بیان، سنگر دفاع از زندانیان سیاسی، سنگر دفاع از حقوق کارگران، سنگر دفاع از آزادی زن و سنگر مبارزه محکم علیه استبداد و اختناق و سرکوب و اعدام و ارباب جامعه دوخته شده است. دانشجویان سوسیالیست با شعار درخشان "فرزندکارگرانیم، در کنارشان میمانیم"، عملاً همگامی و همسرنوشتی جنبش دانشجویی را با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال و حق طلب محکم کردند.

امسال در شرایطی به پیشواز شانزدهم آذر میرویم که انتظار اینست، جنبش دانشجویی متکی به تجارب گرانبهای حضور و دخالتگری خود در خیزشهای انقلابی دی ماه ۹۶، آبان ۹۸ و به ویژه خیزش رادیکال شهریور ۱۴۰۱ به دنبال قتل دولتی مهسا امینی (ژینا) نقش راهگشای خود را در تقویت و گسترش مبارزات انقلابی در دانشگاه و همگام با مبارزات کارگران، پرستاران، بازنشستگان، معلمان و دیگر بخشهای معترض جامعه ایفا کند. اکنون جمهوری اسلامی با بحرانهای مرکب و معضلات عمیق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی روبرو است. بار دیگر با اعمال فشارهای غیر قابل تحمل اقتصادی و معیشتی بر کارگران و مردم و تشدید سرکوبگری و گسترش اعدام و شکنجه و زندان با به تباهی کشاندن زندگی مردم میخواهد از معضلات سنگین گریبانگیرش عبور کند. در مقابل کارگران، پرستاران، بازنشستگان و معلمان، زنان و دیگر بخشهای معترض جامعه با گسترش اعتصابات و اعتراضات رژیم جنایتکار اسلامی را به مصاف میطلاند. چشم انداز خیزش انقلابی مجدد و سراسری به طور واقعی کابوس هرروزه سران جمهوری اسلامی است. نسل جوان و جنبش دانشجویی میتواند نقش مهمی در تقویت مبارزات جاری و شکل دادن به جنبش انقلابی ادامه دار و بنیان برافکن آتی داشته باشد.

در شانزدهم آذر امسال کماکان خاورمیانه شاهد جنگ و تروریسم ویرانگر است. فاشیسم حاکم بر اسرائیل بیش از یکسال است با نسل کشی در غزه و کشاندن جنگ به لبنان، مسیر یک جنگ منطقه ای را هموار میکند. جمهوری اسلامی و دیگر جریانات تروریست محور مقاومت نیز آتش بیار این معرکه هستند. تردیدی نیست جنبش دانشجویی رادیکال با صدای رسا جنگ و تروریسم موجود در منطقه و بنیان آن به ویژه هیئت حاکمه فاشیست اسرائیل و حامیانش را محکوم میکند. توقف فوری جنگ و تروریسم و توقف نسل کشی در غزه و به رسمیت شناختن حقوق مسلم مردم فلسطین از خواسته های فوری هر جنبش آزادیخواهانه و جنبش دانشجویی هم هست. به علاوه اپوزیسیون راست ایران امید بسته به جنگ و دخالت نظامی اسرائیل و آمریکا در تحولات ایران و اهداف ارتجاعی آنها را بی اما و اگر لازمست افشا و رسوا کرد. در همین رابطه به جمهوری اسلامی و جریانات محور مقاومتی حلقه بگوش او باید اعلام کرد، فضا سازی جنگی و بهره برداری از آن علیه مردم محکوم و مردود است. میتوان و لازمست محور مقاومتها و دیگر جریانات وابسته به جمهوری اسلامی را در سطح دانشگاهها و در جامعه منزوی کرد.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ضمن گرامیداشت شانزدهم آذر، همه دانشگاهیان و دانشجویان مبارز و انقلابی را به اتحاد و تشکل، به همبستگی و همکاری بیشتر جنبش دانشجویی با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال به گسترش اعتراضات علیه فشارها و تضيیقات و سرکوبگری جمهوری اسلامی فرامیخواند. انتظار داریم در تحرک مبارزاتی و آکسیونهای امسال با برجسته کردن مطالبات و شعارهای "نه به اعدام"، "آزادی فوری فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی" "نه به حجاب"، "نه به آپارتاید جنسیتی" و "نه به جنگ و تروریسم"، "نسل کشی در فلسطین موقوف" خواسته های فوری مردم آزادیخواه را نمایندگی کرده و حول آنها بیشترین اتحاد و همبستگی مبارزاتی را ایجاد کنند.

گرامی باد ۱۶ آذر، روز دانشجو
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

آذر ۱۴۰۳ - دسامبر ۲۰۲۴

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

آتش بس یا متارکه جنگ و آینده لبنان

روشن نیست، آیا این نیرو، طبق این قرارداد، به خلع سلاح تن خواهد داد یا خیر. بنیامین نتانیاها، از سوی دیگر، در اولین مصاحبه خود پس از اعلام آتش بس، گفت به ارتش اسرائیل دستور داده است تا در صورت نقض آتش بس از سوی حزب الله دست به "حملات شدید" بزند. وی در این مصاحبه همچنین گفت که آتش بس "می تواند کوتاه مدت باشد". پیش از آن نیز نتانیاها و "یوآف گالات"، وزیر دفاع اسرائیل بارها از خواست نابودی حزب الله سخن گفته بودند و مدعی بودند اسرائیل تا نابودی حزب الله به حملات خود ادامه خواهد داد. اکنون نیز، با وجود آتش بس، همچنان مقامات اسرائیل اصرار دارند در صورت وجود خطر برای امنیت اسرائیل، از جمله نقل و انتقال سلاح و تجهیزات نظامی از سوی حزب الله، به حملات خود ادامه خواهد داد. گفته می شود، مقامات آمریکا نیز حق اسرائیل در حمله یک طرفه به هر بهانه ای را تضمین کرده اند. مقامات لبنان معتقدند چنین موضوعی مورد توافق آن ها نبوده است و این نقض حاکمیت لبنان است.

اسرائیل با وجود امتیازاتی که طبق این قرارداد به دست آورده است، در ظاهر به تمام اهداف خود نرسیده است. تبادل آتش میان حزب الله و اسرائیل از اکتبر ۲۰۲۳ و آغاز جنگ میان اسرائیل و نیروهای حماس آغاز شد و در سپتامبر ۲۰۲۴ وارد مرحله جدیدی شد. اول اکتبر اسرائیل به لبنان حمله زمینی کرد. گرچه روند جنگ، طبق انتظارات مقامات اسرائیل پیش نرفت. اسرائیل که در ابتدا با حملات غافلگیرانه از جمله ترور تعدادی از رهبران حزب الله از جمله حسن نصرالله، حملات هوایی، انفجار هزاران دستگاه الکترونیک دست بالا را داشت. اما برخلاف انتظارات آنان و پس از مواجهه با مقاومت حزب الله و تلفات جانی سربازان و شهروندان اسرائیلی هزینه های این جنگ برای اسرائیل بالا رفت. عمیق ترین پیشروی اسرائیل در پیرامون شهر الخیام بود که در حدود ۶ کیلومتری مرز واقع است. مشکلات مربوط به بازگشت کامل نزدیک به ۶۰ هزار شهروند اسرائیلی که از خانه های خود متواری شده بودند همراه با فشارهای بین المللی، تلاطمات سیاسی داخلی و بار مالی هزینه های جنگ، از جمله عواملی بودند که اسرائیل آتش بس را پذیرفت. امتیاز دیگر برای اسرائیل آن است که اکنون با پایان جنگ در لبنان، می تواند توان خود را در جبهه های دیگر متمرکز سازد.

از سویی دیگر حزب الله نیز، به یک آتش بس نیاز داشت به ویژه پس از ترور حسن نصرالله و تنی چند از رهبران اش تا خود را بازسازی کند و پاکسازی نیروهای خود را آغاز کند، چرا که پس از ترورهای متعدد، نفوذ بیشتر نیروهای امنیتی اسرائیل در داخل این تشکیلات گمان زده می شود. از آن گذشته ضربه های سنگین دیگری نیز از جمله به توان موشکی آن وارد آمده است. عمده ساکنان جنوب لبنان از هواداران حزب الله هستند که اکنون به جز تلفات و صدمات جانی، شهرها، روستاها و خانه هایشان ویران شده است.

برخی از هواداران حزب الله اکنون از واکنش جمهوری اسلامی طی جنگ لبنان و اسرائیل ناراضی اند. به گفته آنان حوثی ها و نیروهای محور به اصطلاح مقاومت، به پرتاب موشک و ارسال پهپاد اکتفا کردند، حملاتی که عمدتاً سمبلیک و در بهترین حالت "حداقلی" بودند، هرچند بسیاری از این موشک ها و پهپادها نیز پیش از رسیدن به خاک اسرائیل نابود شدند. به گفته آنان، جمهوری اسلامی خواهان تشدید درگیری ها در منطقه نبود.

به جز اسرائیل و حزب الله، جمهوری اسلامی نیز خواهان آتش بس بود، چرا که با صدمات وارده به حزب الله، نیازمند زمانی برای بازسازی و بازمانده های این گروه بود. هرچند، پس از برقراری آتش بس، مقامات رژیم آن را نمایش "قدرت نظامی" حزب الله نامیدند. از برنامه های آتی، مقامات رژیم، سرمایه گذاری برای بازسازی و بقای حیات حزب الله است تا پایگاه حزب الله در میان شیعیان لبنان حفظ شود. رهبران حزب الله نیز وعده داده اند برای بازسازی به ساکنان جنوب لبنان یاری خواهند رساند.

سیستم سیاسی لبنان، پارلمانی، اما متأثر از وضعیت فرقه ای، اجتماعی و مذهبی خاص این کشور است. پس از پایان جنگ داخلی ۱۹۹۰ - ۱۹۷۵، در لبنان، رئیس جمهور از میان مسیحیان مارونی، نخست وزیر از میان سنی ها و رئیس پارلمان از بین شیعیان انتخاب خواهد شد. اما این کشور نزدیک به دو سال است که در انتخاب رئیس جمهوری درمانده است و با بحران سیاسی دست به گریبان است. یکی از علل آن، فشارها و اعمال نفوذ نیروهای سیاسی موجود در کشور، از جمله حزب الله و مداخلات کشورهای دیگر از جمله جمهوری اسلامی، کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه مانند عربستان است. حزب الله اصرار بر انتخاب یک رئیس جمهور نزدیک به ایران و سوریه را دارد، در حالی که نیروهای دیگر، خواهان رئیس جمهوری نزدیک به غرب هستند.

چهره مورد نظر آمریکا برای ریاست جمهوری، ژنرال "ژوزف عون"، فرمانده ارتش لبنان است. طبق بیانیه ای از سوی ارتش لبنان در اکتبر، فرستاده آمریکا "هوخشتین" در دیداری با عون درباره "وضعیت کلی کشور و امکان حمایت از ارتش لبنان" گفتگو داشته است. آمریکا با وجود جنگ و آوارگی یک چهارم جمعیت این کشور، ماه ها است برای برگزاری انتخابات در لبنان فشار وارد می آورد. اما این تلاش ها تاکنون به نتیجه ای نرسیده بود. هرچند انتظار می رود، در صورت برقراری کامل آتش بس و پایان جنگ، بار دیگر غرب و نیروهای سیاسی داخل لبنان برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری به تکاپو درآیند. پیش از این نیز برخی سیاستمداران لبنان، برگزاری انتخابات را به پس از پایان جنگ موکول کرده بودند. لازم به یادآوری است که در یک نظرسنجی در اواخر تابستان، ۸۵ درصد شیعیان به گروه حزب الله اعتماد داشتند، اما ۸۵ درصد از پاسخ دهندگان در سراسر کشور، رأی اعتماد خود را به ارتش داده بودند.

اکنون پرسش های متعددی درباره اوضاع آینده لبنان وجود دارد. آیا دولت و ارتش لبنان طبق مفاد قرارداد قادر به کنترل حزب الله خواهند بود؟ در صورت پایداری به مفاد قرارداد، تنها راه برای حزب الله، چیزی شبیه عراق، ادغام در ارتش خواهد بود. جنبش امل، یکی از دو حزب عمده شیعه در لبنان است. "نبیه بری" دبیر کل جنبش امل، سخنگوی پارلمان، و رئیس هیئت مذاکره کننده با آمریکا در مورد توافق، بلافاصله پس از امضای قرارداد، خواهان گردهمایی نیروهای سیاسی برای برگزاری انتخابات ریاست جمهوری شد. وی از متحدان کلیدی حزب الله است و حتا پیش از امضای توافق نامه، حزب الله از حضور و تصمیمات وی طی مذاکره حمایت کرده بود. بنابراین، از دیگر گزینه های پیشروی حزب الله، حتا در صورت سازماندهی نظامی خود در خفا، حضور و فعالیت بیشتر در عرصه سیاسی کشور می تواند باشد.

در مارس ۲۰۲۳ صندوق بین المللی پول درباره "بحران بی پایان" لبنان هشدار داده بود. در مقایسه با نرخ فقر در سال ۲۰۱۲ که ۱۲ درصد بود، اکنون به ۴۴ درصد رسیده است. پوند لبنان ۹۸ درصد ارزش خود را از سال ۲۰۱۹ از دست داده است. هزینه های این جنگ ارتجاعي و ویرانگر برای مردم لبنان، نیز، بار سنگین دیگری بر دوش مردم لبنان گذاشته است. فساد در میان مقامات سیاسی - اقتصادی لبنان گسترده است. در یک نمونه، در شهریور ماه سال جاری، ریاض سلام، که از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۲۳ ریاست بانک مرکزی را برعهده داشت، به اتهام مشارکت در فساد مالی، اختلاس و مال اندوزی توسط دادستانی کل لبنان بازداشت شد. از وی به عنوان یکی از مقامات ارشدی نام برده می شود که مسئول بحران اقتصادی فعلی لبنان است. پراکندگی و تشتت نه تنها در میان فرقه های مذهبی، بلکه در درون تمامی این فرقه ها، اعم از مسیحی، سنی و شیعه، نیز حاکم است. اکثریت آن ها، وابسته به قدرتی خارجی، نه به دنبال تأمین منافع مردم، بلکه پیگیر منافع کشورهای خارجی و منافع شخصی خود هستند. در نتیجه گذشته از زمان برگزاری انتخابات، یا رئیس جمهور بعدی، بحران ها و مشکلات آینده لبنان همچنان پابرجا خواهند ماند. در چنین وضعیت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، چشم انداز روشنی، حداقل در آینده نزدیک، برای مردم لبنان متصور نیست و "ثبات" و "رفاه" مدعی کشورهای غربی از جمله فرانسه و آمریکا، سرابی بیش نیست. اکنون تنها مردم شادمان اند که از بمباران ها و حملات نظامی اسرائیل رهایی یافته اند. این نیز مهلتی است برای تسکین دردهای جنگ و پرداختن به زخم های دیگر.



آتش بس یا متارکه جنگ و آینده لبنان

دلار خسارت وارد آمده، در حدود ۲ / ۸ میلیارد آن به خانه‌های مسکونی اختصاص دارد. طی این جنگ، حدود ۲ / ۱ میلیون نفر آواره شده‌اند. طبق دیگر مفاد این قرارداد، اسرائیل و لبنان اهمیت قطعه‌نامه ۱۷۰۱ سازمان ملل را به رسمیت خواهند شناخت. هرچند این امر، نافی حق اسرائیل یا لبنان برای دفاع از خود، طبق قوانین بین‌المللی نخواهد بود. هیچ گروه غیر دولتی اجازه فروش یا تهیه سلاح در لبنان را ندارد و علاوه بر آن، تولید سلاح یا تجهیزات وابسته به آن در داخل لبنان تحت نظارت و کنترل دولت لبنان خواهد بود و تنها نیروی مسلح مجاز، ارتش لبنان خواهد بود. علاوه بر آن، ارتش، پست‌های نگهبانی در امتداد تمام جاده‌ها و پل‌های در امتداد خط آبی سازمان ملل واقع در جنوب لیبانی برپا خواهد کرد. تمام تسهیلات غیرمجاز موجود دخیل در تولید سلاح و تجهیزات نظامی در آینده برچیده خواهند شد که این امر از جنوب لیبانی آغاز خواهد شد. آمریکا و فرانسه در کمیته فنی نظامی مشارکت خواهند داشت تا ارتش بتواند هر چه زودتر ۱۰ هزار نیروی نظامی به جنوب اعزام کند. از آن گذشته این دو کشور با کمک جامعه بین‌المللی از ارتش لبنان حمایت خواهند کرد تا به این هدف دست یابد و توان خود را بهبود بخشد. امضای این قرارداد، واکنش‌های گوناگونی را برانگیخت. پایان جنگ، در میان مردم لبنان

موجی از شادی را برانگیخت. بسیاری از ساکنان آواره جنوب لبنان، در اولین ساعات برقراری آتش‌بس، بی‌صبرانه به سوی خانه و کاشانه ویران‌شان به حرکت درآمدند. با وجود این، روزهای پنجشنبه و جمعه ارتش اسرائیل به بهانه "مظنون" بودن این مردم، همچنان به حملات خود در لبنان و شلیک به سوی آوارگان مشتاق بازگشت ادامه داد. نیروهای اسرائیل اعلام کرده‌اند ساکنان ۶۴ روستا در جنوب لبنان تا اطلاع ثانوی اجازه بازگشت ندارند و هر کس به این روستاها بازگردد، "خود را به خطر می‌اندازد". اسرائیل همچنین برای محدودسازی نقل و انتقال مردم در جنوب لبنان، نقشه‌ای با منطقه‌ای به رنگ قرمز را پخش کرده است و از مردم می‌خواهد به این مناطق بازنگردند. ارتش لبنان نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: "روزهای ۲۷ و ۲۸ نوامبر پس از اعلام قرارداد آتش‌بس، ارتش اسرائیل قرارداد را چندین بار نقض کرده است."

در چنین وضعیتی، بسیاری نسبت به اجرا و ادامه این آتش‌بس بدگمان هستند. بسیاری معتقدند این قرارداد یک "آتش‌بس" نیست، بلکه متارکه موقت جنگ است. "نعیم قاسم"، دبیر کل حزب الله لبنان، در اولین واکنش خود پس از امضای قرارداد گفت که این گروه با ارتش لبنان برای اجرای آتش‌بس هماهنگی خواهد کرد. هرچند

در صفحه ۹

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید. شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization

Of Fadaian (Aghaliyat)

No 1098 December 2024



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی